

بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان (مورد مطالعه: استادان خانم دانشگاه)

شیما کریمی^۱، دکتر منصور وثوقی^۲، دکتر حسین آقاجانی مرسا^۳، دکتر زهرا حضرتی صومعه^۴

چکیده

توانمندسازی زنان و نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده آن در توسعه پایدار از جمله موضوعات مورد توجهی است که امروزه به لحاظ نظری و کاربردی به آن پرداخته می‌شود. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه ابعاد مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان می‌باشد. مهارت‌های زندگی دارای ابعاد مختلف شامل مهارت مقابله با استرس‌ها، مهارت حل مسأله، مهارت تفکر خلاق، مهارت تفکر نقادانه، مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران، مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه، مهارت خودآگاهی و مهارت همدلی با دیگران می‌باشد. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریه نیازهای اساسی مازلو، نظریات توانمندسازی و نظریات مهارت‌های زندگی شکل گرفته است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی و طرح تحقیق از نوع مقطعی بوده است و جامعه آماری شامل استادان خانم دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشد و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۶۸ نفر محاسبه شده است. نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان به صورت کلی رابطه داشته است. نتایج حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان روابط معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش هر کدام از این ابعاد، میزان توانمندی زنان افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، توسعه پایدار، مهارت‌های زندگی، همدلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۲ استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول:

Vosooghi_mn@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

^۴ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

وضع اجتماعی زن در هیچ دوره و تاریخی از وضع عمومی آن جامعه معجزاً نیست. در دورانی که میان ملل متمدن و غیر متمدن موجود در دنیا، زن از جایگاهی پایین‌تر و پست‌تر از مرد برخوردار بوده و او را چیزی حد وسط بین انسان و حیوان می‌پنداشتند و حقوق و موقعیتش را نادیده می‌انگاشتند، نگرش اسلام به زن و تنظیم حقوق او و این که حیثیت وی جنبه «حق الله» دارد نه «حق الناس» و هتک حرمت او برای احدی روا نیست و همگان موظف به پاسداری از مقام زن هستند، در خلال احکام دینی به چشم می‌خورد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۲). برخی اندیشمندان، خاستگاه توانمندسازی زنان را غرب و اندیشه‌های فمینیستی می‌دانند؛ ولی از این نکته غفلت می‌کنند که دین مبین اسلام با آن تفکرهای پیش رو، چه تغییر شگرفی در وضع زنان و دختران عصر سیاه و ظلمانی حجاز ایجاد کرد و دختران را از مرحله‌ی زنده به گور شدن، به مراتبی از کمال رهنمون ساخت تا جایی که تاریخ اسلام شاهد قهرمانان زنی همچون حضرت فاطمه‌ی زهرا، خدیجه‌ی کبرا و زینب کبرا می‌باشد، که مشارکت مهمی در تحولات تاریخ اسلام داشتند و حتی برخی مردان تاریخ اسلام به پای آنان نمی‌رسند. «این هدف، برخاسته از ارزش‌ها و اصول اسلامی همچون عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از جامعه، ایجاد امنیت و آرامش خاطر، مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه، نوع‌دوستی و توجه به هموع، همبستگی اجتماعی، عزت و کرامت انسانی و کنار زدن هرگونه ترس غیرخدایی (مانند: ترس از گرسنگی، تنگدستی، بیماری، نادانی و خشونت) هستند که در قرآن و احادیث آمده است» (شیدائی‌آشتیانی، ۱۳۸۹: ۷). تمام ویژگی‌های گفته شده از کرامت انسانی، شامل حال زنان نیز می‌شود و در جامعه امروز زنان دوشادوش مردان در امور اجتماعی مشارکت کرده، با آشنایی و آزمون خطا در مهارت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، در جامعه به توانمندی اجتماعی دست می‌یابند. آنچه تحت عنوان وظایف و حقوق زن و مرد در خانواده توسط دین اسلام مقرر شده است، تنظیم‌کننده‌ی روابط اجتماعی برای هر دو جنس زن و مرد می‌باشد و در جهت افزایش کرامت انسانی تنظیم شده است.

جهت نیل به توسعه پایدار کشور، لازم است تمامی افراد در تمام صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقش‌آفرین باشند. شرایط جامعه امروزی، درگیر شدن همه را در اداره امور

کشور ضروری ساخته و دولت‌ها را وادار نموده برای سازگاری با محیط، به سازوکارهای مدیریتی مختلفی از جمله توانمندسازی^۱، روی بیاورند. بنابراین، توانمندسازی، کانون و مرکز ثقل توسعه مشارکتی در عصر مدرن تلقی می‌شود. کشورها بدون توجه کافی به این مقوله، نمی‌توانند به شاخص‌های رشد و توسعه دست یابند. از اوّلین سال‌های قرن بیستم، نهضت طرفداران حقوق زنان، پایه تئوریک خود را ایجاد کرد و در دهه‌های اخیر توانمندسازی زنان به عنوان مکانیزمی برای افزایش کیفیت زندگی کاری و شخصی زنان مطرح شد. با توجه به آن که امروزه بخش عظیمی از نیروی جامعه را زنان، به خود اختصاص داده و قابلیت‌های فنی و مدیریتی خود را در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور به اثبات رسانده و ضمانت‌های قانونی و نهادی مورد نیاز برای مشارکت این قشر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تا حدودی فراهم گردیده، لازم است که با رویکردی استراتژیک، ضمن بررسی سیستمی توانمندسازی زنان، سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی و عملیاتی مناسب از سوی تصمیم‌گیران و سیاست‌مداران اتخاذ گردد. بنابراین تواناسازی زنان یک مسأله توسعه‌ای است و زنانی که توانا می‌شوند، قادر به عمل در جنبه‌های گسترده و ایفای نقش فعال‌تری در تمامی جنبه‌ها، برای تغییر در راه‌های گوناگون خواهند بود. از زمان طرح موضوع جایگاه زنان در توسعه، برای تعریف محتوای برنامه‌های آنان در مقاطع گوناگون تاریخی رهیافت‌های متعددی بیان شده است که به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. نظریات رفاهی، مساوات و فقرزدایی؛ ۲. نظریه‌ی کارایی؛ ۳. نظریه‌ی توانمندسازی. در حالی که هر یک از این نظریه‌ها طرفدارانی دارند نظریه‌ی مقبول امروزی، نظریه‌ی توانمندسازی است که مولود انتقادات به دو نظریه‌ی اول و دوم است که بیشتر ماهیت اقتصادی دارند (صلاحی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۴۳).

از آنجایی که توانمندی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی عواملی درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

^۱ Empowerment

یکی از عواملی که می‌تواند در توانمندی زنان نقش داشته باشد، تأثیر مهارت‌های زندگی بر توانمندی آنان است. در این مطالعه به نقش مهارت‌های زندگی بر توانمندی زنان پرداخته شده است. امروزه با توجه به ویژگی‌های عصر جدید و توانایی‌های انسان‌ها در راستای ارتقای کیفیت زندگی، نیاز جدی به کسب مهارت‌های زندگی برای همه انسان‌ها مورد تأیید دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان کشورهای مختلف می‌باشد. مهارت‌های زندگی (مهارت خودآگاهی، همدلی، مهارت‌های ارتباطی، روابط بین فردی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مقابله با استرس) مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های روانی - اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند به طور مؤثر و مفید با مشکلات و کشمکش‌های زندگی روبرو شود (بوید^۱ و دیگران، ۱۹۹۲: ۱۱).

آنچه به «مهارت‌های زندگی» مشهور است، حاصل کار پژوهش‌گران عصر حاضر نیست، بلکه بسیاری از این مهارت‌ها در لابه‌لای تعالیم الهی و به خصوص در قرآن کریم و احادیث معصومین بیان شده است. عبارت مشهور «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» از امام علی «ع» سرلوحه بهره‌مندی از یک زندگی مطلوب و مؤثر است و مهارت‌های زندگی بدون خودشناسی بی‌معناست. به عبارت دیگر، مهارت‌های زندگی افراد را قادر می‌سازد تا دانش، نگرش و ارزش‌های وجودی خود را به توانایی‌های واقعی و عینی تبدیل کند و بتواند از نیروهای وجودی در جهت شادابی و شادکامی و ایجاد زندگی مثبت برای خود و دیگران بهره‌گیرد و این یعنی احساس بودن، اهمیت دادن به خویش و گام برداشتن به سمت بهتر شدن و برای کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی توانمند گردیدن (طارمیان، ۱۳۷۸: ۱۹).

علاوه بر این در ایران، همسو با تحقق سند چشم‌انداز، طی سال‌های اخیر در جامعه زنان نیز آگاهی مناسبی در زمینه کسب علم و آموزش رقم خورده است که نتیجه آن شناخت عمیق زنان از توانایی و ظرفیت‌های اجتماعی و عزم جدی برای تعیین سرنوشت خودشان است. به نحوی که طی سال‌های اخیر، افزایش حضور زنان در آموزش عالی و تأثیر آن در رشد توسعه‌یافتگی فرهنگی زنان در دوران بعد از انقلاب، چشمگیر بوده است (شکوری‌راد، ۱۳۸۰: ۳۲). با توجه به اینکه استادان خانم دانشگاه‌ها، دارای پایگاه بالای اجتماعی می‌باشند و یکی از گروه‌های توانمند زنان

^۱ Boyd

جامعه ما محسوب می‌شوند، در این تحقیق به مطالعه‌ی جامعه‌شناختی نقش و اثر مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی بر توانمندسازی زنان، در جامعه‌ی آماری استادان دانشگاه‌های دولتی تهران پرداخته شده است تا شناخت دقیق‌تری از انواع و درجه‌ی تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها، حاصل شود و در نهایت بوسیله به کارگیری نتایج مفید حاصل از آن، جهت تدوین برنامه‌های توانمندسازی هر چه بیشتر زنان در سطوح کلان جامعه بهره برده شود. این تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش می‌باشد که مهارت‌های زندگی چگونه و تا چه حدی در توانمندسازی زنان نقش دارند؟

در انتخاب چارچوب نظری تحقیق از نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریه نیازهای اساسی مازلو، نظریه‌های توانمندسازی زنان، نظریه‌های مهارت‌های زندگی استفاده شده است. همچنین رویکرد اسلامی به توانمندسازی زنان مد نظر قرار گرفته است. در نظریه‌ی گیدنز، عاملیت و ساختار برای کوچک‌ترین مسأله مانند ذهنیت فرد تا نظام‌های جهانی قابل کاربست است (پیرسون^۱، ۱۳۸۴: ۱۳۵). از نظر گیدنز تقسیم‌بندی اساسی در جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی همان است که میان دو رویکرد به تحلیل اجتماعی وجود دارد: رویکرد عامل محور و ساختارمحور. رابطه بین کنش و ساختار، رکن محوری نظریه ساختاریابی گیدنز است. او مفهوم دوگانگی ساختار را برای بیان نظریه‌اش بکار می‌برد، به زعم وی افراد سازنده‌ی جامعه هستند، اما جامعه نیز محدود و مقیدشان می‌کند. گرچه کنش و ساختار معمولاً مفاهیمی متضاد تلقی می‌شوند اما در واقع دو روی سکه‌اند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم تحلیل کرد (جلانی پور و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۷۳).

از نظر گیدنز، نکته‌ی کلیدی آن است که حیات اجتماعی نه مجموعه‌ای از کنش‌های فردی و نه مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی است، بلکه به مثابه‌ی فرایندی در نظر گرفته شده است که مفهوم کلیدی آن عمل اجتماعی به شمار می‌آید و دارای دو جنبه‌ی عاملانه و ساختاری است. این رویکرد فرایندوار به زندگی اجتماعی نقشی اساسی در کل نظریه‌ی اجتماعی گیدنز دارد. او می‌خواهد نگرش فرایندوار به زندگی را جایگزین اراده‌گرایی و تعیین‌گرایی ساختاری اکثر جامعه‌شناسان کند (سیدمن^۲، ۱۳۹۶: ۱۹۲). از نظر گیدنز عوامل و ساختارها، دو رشته پدیده‌ی جدا از هم

^۱ Pearson

^۲ Sidman

نیستند که در دو قطب متفاوت جای داشته باشند، بلکه هر دو خصلت ذاتاً دوگانه‌ای را نشان می‌دهند. خواص ساختاری نظام‌های اجتماعی، هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص به گونه‌ای واگشتی سازمان می‌دهند (ریترز^۱، ۱۳۹۶: ۶۰۳). ارتباط ساخته شده توسط گیدنز میان ساختار اجتماعی و عاملان انسانی، تبیین نظری این مورد که توانمندسازی اجتماعات و توانمندسازی فردی، همبخشی دارند را تقویت می‌کند.

به عقیده ماژلو، هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی‌اند یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم. اما رفتارهایی که ما برای ارضای آن‌ها به کار می‌بریم، اکتسابی هستند. این نیازها بر اساس اهمیت به ترتیب زیر قرار می‌گیرند: ۱- نیاز-های فیزیولوژیکی ۲- نیاز به ایمنی ۳- نیازهای عشق و تعلق داشتن ۴- نیاز به احترام ۵- نیاز به خود شکوفایی. نیازهای فیزیولوژیکی شامل؛ نیاز به غذا، آب، هوا، خواب و رابطه جنسی است. نیازهای ایمنی شامل؛ امنیت، ثبات، نظم و رهایی از ترس و اضطراب می‌باشد. این نیازها در نوزادان و بزرگسالان روان رنجور، بیشترین اهمیت را داراست. نیازهای تعلق داشتن و عشق، از طریق روابط عاطفی با شخص یا اشخاص دیگر برآورده می‌شود. نیازهای احترام شامل؛ عزت نفس و احترام از سوی دیگران است. نیاز به خودشکوفایی شامل تحقق توانایی‌های بالقوه و قابلیت‌های شخص بوده و مستلزم دانش واقع‌بینانه نسبت به نقاط ضعف و قوت خود می‌باشد. هر نیازی که در پایین‌ترین مرتبه سلسله مراتب قرار گیرد قوت، توانایی و اولویت آن بیشتر است. به طور مثال، نیازهای فیزیولوژیکی جزء بنیادی‌ترین و قوی‌ترین نیازها هستند و قادر به بازدارندگی کامل همه نیازهای دیگرند. ناتوانی در برآورده کردن نیازهای سطح پایین‌تر، نوعی نارسایی در فرد ایجاد می‌کند. به همین جهت آن‌ها را نیازهای کمبود^۲ یا نارسایی^۳ می‌نامند.

اگر چه نیازهای سطوح بالاتر برای بقاء، کمتر ضرورت دارند با این وجود می‌توانند به بقاء و ترقی شخصی کمک کنند. همچنین سلامت بهتر، عمر طولانی‌تر و به طور کلی کارایی زیست‌شناختی بیشتری را ایجاد می‌کنند. از همین رو آن‌ها را نیازهای رشد^۴ یا بودن^۴ نیز نامیده‌اند. در ضمن ارضای

^۱ George Ritzer

^۲ Deficit

^۳ Deficiency

^۴ Growth

۴۱ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

این نیازها مستلزم پیش شرط‌های بیشتر، پیچیدگی زیادتر و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهتر است (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۲).

کبیر^۲، توانمندسازی را شامل سه جزء اصلی و مرتبط با هم می‌داند؛ منابع، عاملیت و دستاوردها. ۱- منابع در واقع عوامل تسریع کننده فرآیند توانمندسازی هستند. متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال را می‌توان از جمله این منابع توانمندسازی به شمار آورد.

۲- عاملیت^۳: کبیر، عاملیت را به عنوان توسعه‌ی توانایی فرد برای تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی او دارند، در نظر می‌گیرند. عاملیت زنان معرف این است که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر در نظر گرفته شوند. عاملیت، زمانی که منجر به تغییر معناداری در موقعیت زنان و رفاه آنان نشود، نمی‌تواند به معنای توانمندسازی باشد. البته باید توجه داشت عاملیت زنان به این معنا نیست که زنان به تنهایی مسئول توانمند ساختن خود هستند؛ بلکه دلایل کافی برای نیاز به مداخله حکومت‌ها از طریق سیاست‌هایی که منجر به ظهور برابری جنسیتی از طریق اصطلاحات سیاسی، حقوقی و اقتصادی می‌شوند، است. همچنین سازمان‌های ملی و بین‌المللی نیز نسبت به تضمین توانمندسازی محرومان به لحاظ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مسئولند. با وجود اینکه نقش منابع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در توانمندسازی بسیار ضروری و حیاتی است، اما این عامل به تنهایی و بدون توانایی گروهی و فردی زنان برای شناسایی منابع و استفاده از آنها در جهت منافع خویش، نمی‌تواند منجر به توانمندسازی آنان شود. این مسأله اهمیت عنصر عاملیت را نمایان می‌سازد.

۳- دستاوردها^۴: یکی دیگر از اجزای فرایند توانمندسازی، همان نتایج و پیامدهایی است که در نتیجه این فرایند حاصل می‌شود. دستاوردها می‌تواند از چیزهای ابتدایی از قبیل سیر شدن، سالم بودن، اجتناب از بیماری‌های قابل پیشگیری و مرگ و میر زودرس، شروع شوند و تا دستاوردهای پیچیده‌تری از قبیل خشنود بودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی ادامه

^۱ Being

^۲ Kabeer

^۳ Agency

^۴ Accomplishments

یابند (سن^۱، ۱۳۹۵: ۵۹). ابعاد سه‌گانه توانمندی در نظریه کبیر با یکدیگر روابطی متقابل دارند. به طوری که تغییر در هر یک از آن‌ها می‌تواند هدایت‌گر تغییرات در ابعاد دیگر باشد. آنچه که در یک دوره به عنوان دستاورد حاصل از جریان‌یابی عاملیت آشکار شده است در مقطعی دیگر می‌تواند در حکم منابع لازم برای جریان‌یابی مجدد عاملیت و حصول دستاوردهای بیشتر عمل کند. عکس این حالت نیز صادق است یعنی کاستی در بروز و ظهور هر یک از این سه می‌تواند مانع از تحقق شایسته ابعاد دیگر بشود (کبیر^۲، ۲۰۰۳: ۱۷۵). به اعتقاد کبیر « بسیاری از منابع مصادیق عاملیت و دستاوردهایی که مشخصه ادبیات توانمندسازی است، همپوشانی قابل توجهی با تعدادی از شاخص‌های شناخته‌شده‌ی برنامه‌های توسعه‌ای دارد.

مانند برابری در دسترسی به بهداشت، آموزش، وام و اعتبار، زمین و مالکیت، فرصت‌های معاش و اشتغال و غیره. در عین حال هر چند تکیه بر شاخص‌ها و مطلوبیت‌های فوق‌الذکر امکان‌سنجش را برای محققین تسهیل می‌نماید، اما تنها در صورتی می‌توان نقش‌آفرینی و ارتباط آن‌ها با توانمندی را مورد تأیید قرار داد که به نحوی از انحاء مشخص گردد هر یک از آن‌ها در یک زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی معین چگونه و تا چه حد به زنان یا هر گروه هدف دیگری این امکان را می‌بخشد که دست به انتخاب‌های خاص خودشان بزنند» (کبیر، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸). بنابراین، به طور خلاصه نگرش سه‌وجهی به مقوله‌ی توانمندسازی، تا حد زیادی این اطمینان را فراهم می‌آورد که شاخص‌هایی که در زمینه‌ی سنجش توانمندی به کار می‌روند معنای معتبری داشته باشند. در غیر این صورت می‌توان انتظار داشت که دخالت عوامل بیرونی، همچون علائق و گرایش‌های پژوهشگر و یا فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر میدان تحقیق مانع از به تصویر کشیده شدن واقعیت، آن‌گونه که هست، بشوند (همان: ۴۸).

مالهاترا^۳، توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کند که به وسیله‌ی آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد؛ دفاع می‌کنند. مالهاترا، از جمله نظریه‌پردازانی است که بطور اصولی توانمندسازی را یک فرایند محسوب می‌-

^۱ Sen

^۲ Kabeer

^۳ Malhatra

۴۳ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

کند، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می‌دانند (مالهاترا و دیگران، ۲۰۰۵).

آمارتیا سن^۱، در کتاب توسعه به مثابه آزادی فضلی را اختصاص به زنان داده است. این فصل به نام نقش فاعلی زنان و تحولات اجتماعی، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش فاعلی آنان اشاره می‌کند و تأثیر این نقش را در حوزه‌هایی چون میزان فاعلیت زنان بر باروری و تقویت بقای کودکان بررسی می‌کند. سن، این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندسازی زنان بلکه تأثیر آن را بر توسعه جوامع نیز مهم می‌شمارد. سن، نقش فاعلی زنان را از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تا مشارکت‌های سیاسی قابل تعمیم می‌داند. وی فراگیری گسترده فاعلیت زنان را یکی از بخش‌های فراموش شده مطالعات توسعه می‌داند. سن اعتقاد بر این دارد که در عصر حاضر هیچ چیزی مهم‌تر از درک کافی از مشارکت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان نیست، در واقع او توجه به این موضوع را بررسی جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی می‌داند (سن، ۱۳۹۴:۲۲۹).

برای فهم توصیفی که سن از توانمندی ارائه می‌دهد، نخست باید مفهوم «عملکرد^۲» را در ادبیات وی دنبال کرد. به عقیده وی عملکردها نشان‌دهنده چیزهایی است که انجام آن‌ها یا دستیابی به آن‌ها برای فرد ارزشمند است. عملکردها از مقولات فراگیر و اولیه‌ای همچون تغذیه‌ی کافی و سلامت جسمی تا فعالیت‌ها و مطلوبیت‌های پیچیده‌ای همچون مشارکت اجتماعی و برخورداری از احترام را شامل می‌شود. بر این اساس توانمندی هر فرد عبارت خواهد بود از «امکان انتخاب بین ترکیب‌های مختلفی از عملکردها» (سن، ۱۳۹۵:۱۹۱). در این تعریف، توانمندی نه صرفاً در داشتن و دسترسی به سطوح بالایی از برخورداری‌های مختلف، بلکه در بهره‌مندی از آزادی انتخاب بین عملکردهای مختلف در حوزه‌های گوناگون زندگی است؛ که در کنار هم شیوه‌ی مطلوب زندگی از دیدگاه فرد را به تصویر می‌کشند، تصویری که در شکل‌گیری آن آگاهی فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

^۱ Amartya Sen

^۲ Function

سریلاتها باتلیوالا^۱، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و کنترل کردن نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی‌شان. توانمندسازی، شامل طیفی از فعالیت‌هاست و از ابراز وجود تا مقاومت جمعی، اعتراض و تجمعاتی که روابط قدرت را به چالش می‌طلبد را در بر می‌گیرد. از نظر باتلیوالا، توانمندسازی فرایندی است که عوامل حاشیه‌نشین شدن زنان را تغییر می‌دهد. باتلیوالا نشان می‌دهد که توانمندسازی نتیجه لازم قدرت اقتصادی نیست. (زنان ثروتمند نیز از سوء استفاده‌های خانگی و تجاوز رنج می‌برند). فرایند توانمندسازی ابتدا شامل آشنا شدن زنان با ایدئولوژی‌هایی است که حکم‌فرمایی مرد را قانونی و تعدی آن‌ها را همیشگی می‌کنند. باتلیوالا معتقد است که زنان، خود نیز در ستم به خویش نقش دارند و بنابراین عوامل تغییر خارجی که ممکن است شکل‌های متفاوتی داشته باشند، برای توانمندسازی ضروری می‌شوند.

زنان نیازمند دستیابی به عقاید و اطلاعات جدیدی هستند که نه تنها آگاهی و تصویر آنها از خودشان را تغییر می‌دهند، بلکه آنها را به اقدام کردن نیز تشویق می‌کند. در نتیجه باتلیوالا، توانمندسازی را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «آگاهی پیچ در پیچ و در حال تغییری که زمینه‌های تحول را برای زنان فراهم می‌کند تا راهبردها را طرح‌ریزی کرده، برای تغییر اقدام کنند، و به تحلیل فعالیت‌ها و نتایج پردازند» (باتلیوالا، ۱۹۹۴: ۱۳۱).

فیرمن^۲، از جمله کسانی است که درباره‌ی توانمندسازی نظریه دارد. وی پنج سطح برای مدل ارزش‌یاب توانمندساز معرفی کرده است که عبارتند از: آموزش، تسهیل‌گری، حمایت، آشکارسازی و آزادسازی. ۱- آموزش^۳: مقوله‌ی آموزش، نحوه‌ی بروز توانمندی‌های افراد است؛ به نوعی که ضمن مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌ها، خود طراح و اجرا کننده باشند. ۲- تسهیل‌گری^۴: در این مدل به بازیگران کمک شود تا طرح خود را پیاده کنند و آموزش‌دهنده، یک مربی برای جهت دادن به تلاش‌ها است. ۳- حمایت^۵: در حمایت بر دفاع از مردم بر پیاده کردن طرح‌های توسعه‌ای تأکید می‌شود و مربیان برای دستیابی به اهداف و پیشرفت، به مردم اعتماد به نفس

^۱ Srilatha Batliwala

^۲ Fiterman

^۳ Training

^۴ Facilitation

^۵ Protection

۴۵..... بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

می‌دهند. ۴ - آشکارسازی^۱: در این مدل ارزشیاب توانمندساز، تجربیات خود را در اختیار مردم قرار می‌دهد. این تجربیات چشم‌اندازهای متفاوتی را برای مردم باز می‌کند که باعث پویایی جامعه و بهبود برنامه می‌شود. ۵ - آزاد سازی^۲: در مدل آزادسازی، ارزشیاب توانمندساز، بروزدهنده‌ی استعداد‌های مردم است و به نوعی زمینه‌ی بروز استعداد‌های مردم را برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند (غفاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷۲).

یکی از مدل‌های نسبتاً مطرح در زمینه‌ی توانمندسازی زنان، مدل سارا لانگه^۳ (۱۹۹۱) است. لانگه، ضمن تأکید بر این ایده که برابری جنسیتی می‌بایست موضوع کانونی هرگونه برنامه توسعه‌ای پیرامون زنان باشد، به بخش زیادی از ادبیات نظری موجود در حوزه‌ی توسعه این نقد را وارد می‌سازد که اغلب آنها برابری را با توجه به تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و مانند این‌ها تعریف می‌کنند. به عقیده‌ی لانگه، این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش از حد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه باز می‌دارد. بر این اساس وی مدل مفهومی پنج سطحی را ارائه می‌نماید که می‌تواند مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی باشد (لانگه، ۱۹۹۱: ۵۰).

سارا لانگه از نظریه‌پردازان فمینیست، معتقد است که برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل. در مرحله رفاه^۴، رفاه مادی زنان مانند (تغذیه و درآمد) بررسی می‌شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی^۵، زنان باید به عوامل تولید مانند زمین، کار، سرمایه، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد و محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی^۶، زنان باید تشخیص دهند

^۱ Illumination

^۲ Free making

^۳ Sara Longwe

^۴ Welfare

^۵ Access

^۶ Awareness

که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست. بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله‌ی مشارکت^۱، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل^۲، به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است (همان: ۱۸). اسپریتزر بر این نظر است که مهارت‌های زندگی در زنان به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مانند سوء مصرف مواد، خودکشی، بزهکاری و ارتقای رشد شخصی و اجتماعی، پیشگیری از مشکلات روانی، ارتقای سازگاری فرد با خود، دیگران و با محیط زندگی، بدون آسیب رساندن به خود و دیگران و رسیدن به حداکثر شادمانی، کمک به ایجاد احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری در برابر خود، دیگران و در برابر تصمیم‌ها، انتخاب‌های خود و در برابر منابع طبیعی و انسانی محیط اطراف، کمک به شکوفایی توانایی بالقوه فرد و حرکت از ناتوانی‌ها و ضعف‌ها به سوی مهارت‌های توانمند قوی و سازنده مانند توانایی کار مشترک تا رسیدن به هدف مشترک گروهی، توانایی مدیریت، درگیری با افراد به گونه‌ای که کمترین انرژی را از دست بدهد و بیشترین بهره را از نیروی خلاق خود ببرد، می‌انجامد (اسپریتزر، ۱۹۹۶: ۴۰).

واقفی و طاهر مقدس (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان نقش پارک‌های بانوان بر توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه پایدار بیان داشتند که اولین موضوعی که در جهت تحقق توانمندسازی بانوان در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد تقسیمات اجتماعی مانند توجه به جنسیت که به ناهمگونی و نابرابری در جامعه منتهی می‌شود، قابل توجه است، که باعث عدم تحقق حقوق بانوان و نیازهایشان در جامعه و در نهایت عدم دستیابی به توانمندسازی زنان است، که با در نظر گرفتن نقش فضاهای شهری در رفع نیازهای شهروندان و سهمی که گروه‌ها و افراد مختلف از این فضاها در اختیار دارند، موضوع توزیع عادلانه امکانات و فضاها اهمیت می‌یابد.

سیاستگذاران شهری می‌کوشند بهترین راه حل‌ها را برای عادلانه تر شدن این توزیع ارایه کنند. نوعی از این سیاست‌ها احداث مراکز تک جنسیتی مخصوص زنان است که با احداث چنین

^۱ Participation

^۲ Control

۴۷ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

مراکزی حضور و مشارکت بانوان در توسعه جامعه پرننگتر شود در این نوشتار سعی شده است که اهمیت احداث پارک‌های ویژه بانوان در شهرهای کشورهای اسلامی و تاثیر آن بر توانمندسازی بانوان با تاکید بر معیارهای توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد و اینکه ایجاد این پارک‌ها چگونه و به چه صورت در روند توسعه پایدار در جامعه موثر واقع می‌شود. جعفری شیرازی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر بالابردن خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار شهرداری شهر تهران، بیان داشتند که بین آموزش مهارت‌های زندگی بر بالا بردن خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار شهرداری شهر تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد و می‌توان گفت با آموزش مهارت‌های زندگی می‌توان خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار شهرداری شهر تهران را بالا برد. روایی و حسینیان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش شناختی رفتاری با رویکرد اسلامی باعث افزایش ابعاد توانمندسازی زنان متاهل بیان داشتند که موزش شناختی رفتاری با رویکرد اسلامی باعث افزایش ابعاد توانمندسازی زنان متاهل شاغل می‌شود. آقا زمانی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان برداشت زنان از توانمندسازی در رامسر، یک مقصد گردشگری در شمال ایران بیان داشتند که تعداد کمی از محققان زمینه منحصر به فرد (مثلاً اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی) را که بر ادراک زنان از توانمندسازی تاثیر می‌گذارد، بیان کرده اند.

با شناخت اینکه گردشگری، به ویژه در اقتصادهای رو به رشد، زمینه منحصر به فردی را فراهم می‌کند که در آن توانمندسازی اتفاق بیفتد، از یک رویکرد کیفی برای کشف تصور کلی زنان ایرانی از توانمندسازی استفاده شد و اینکه آیا این امر بر اساس شغل (یعنی گردشگری در مقابل غیر گردشگری، از جمله خانه‌داران) متفاوت است. به طور کلی، ۱۰ تصور منحصر به فرد از توانمندسازی مشخص شد که ۲ مورد از آنها (یعنی داشتن خصوصیات رفتاری منحصر به فرد و ایمان) برای ادبیات جدید است. علاوه بر این، زنان هنگام درک شغل و درک سطح توانمندی، در درک خود از توانمندی متفاوت بودند. نتایج نشان می‌دهد که محققان نباید جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی توانمندسازی، میزان درک زنان از خود را به عنوان توانمند، و بیشتر هنگام انجام

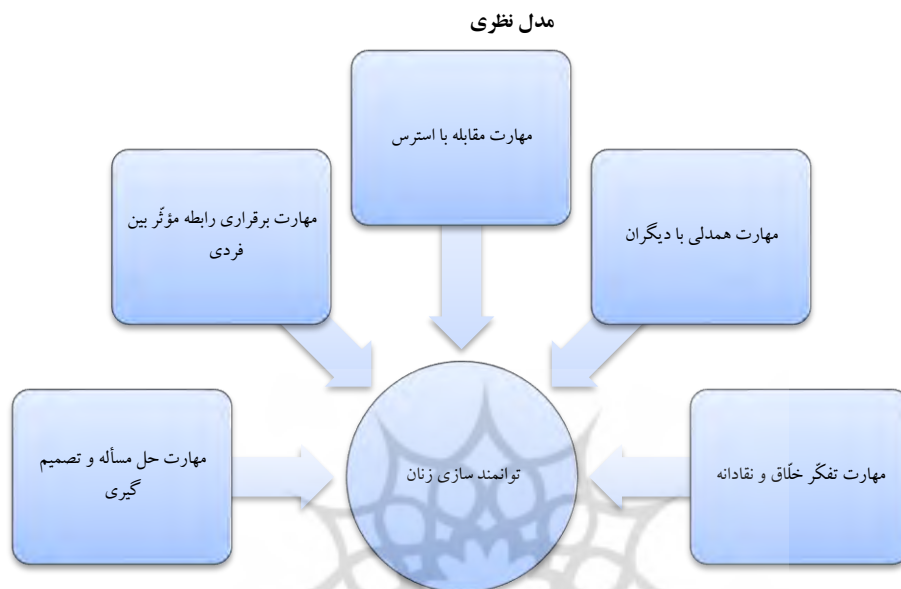
^۱ YeganehAghazamani

تحقیقات در مورد عوامل مؤثر در درک زنان از توانمندسازی نادیده بگیرند. ستاری^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان راننده‌های تاکسی‌های بانوان در جمهوری اسلامی ایران بیان داشت که این مقاله به روایت کار رانندگان تاکسی‌های زنانه در ایران می‌پردازد تا درک کند که چگونه آنها در دنیای رانندگی تاکسی‌های تفکیک شده حرکت می‌کنند. تغییر ایران از یک کشور سکولار به یک کشور اسلامی در سال ۱۹۷۹، سازه‌های جنسیتی در حوزه عمومی را با استفاده از سیاست‌ها و شیوه‌هایی که نقش زنان را در حوزه خصوصی ترغیب می‌کرد، تقویت کرد و قلمروهای آنها را از مشارکت عمومی در حوزه‌های زنانه سستی به حداکثر حد ممکن هدایت کرد. تحقیقات قبلی بینش مهمی در مورد پیامدهای گفتمان جنسیتی پس از انقلاب برای زنان ارائه می‌دهد. با این حال، کمی به توجه به ظرافت‌های پیمایش‌های روزانه زنان در عرصه عمومی توجه نشده است. با استفاده از داده‌های کیفی عمیق از مصاحبه‌ها با ۴۰ راننده زن تاکسی، این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه این زنان اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی را که در "جنس" زندگی عمومی در بعد از انقلاب پس از انقلاب اساسی در استراتژی‌های روزمره خود از مذاکرات بوده است، گنجایده‌اند.

فرضیه‌های تحقیق به شرح زیرند:

- به نظر می‌رسد بین مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مهارت مقابله با استرس‌ها و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مهارت تفکر خلاق و نقاد و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مهارت برقراری رابطه مؤثر بین فردی سازگارانه و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مهارت همدلی با دیگران و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد.

^۱ Negin Sattari



روش شناسی

روش تحقیق به صورت کمی بوده است و از روش پیمایشی بدین منظور استفاده شده است. با توجه به هدف‌های پژوهش و ماهیت آن مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد و با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی، پرسش‌نامه در اختیار اشخاص قرار داده شد و با توضیح مختصر در مورد پرسش‌نامه و در نظر گرفتن وقت مناسب برای پاسخگویی به سؤالات در اختیار ایشان قرار گرفت. جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از آن نمونه‌ای معرف به دست آمده است. در تحقیق حاضر جامعه آماری استادان خانم دانشگاه‌های دولتی تهران می‌باشند.

روش نمونه‌گیری تلفیقی از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی ساده می‌باشد. به گونه‌ای که بر حسب تعداد اساتید زن هر کدام از دانشگاه‌های مورد مطالعه و حجم نمونه‌ی بدست آمده (دانشگاه شریف ۵ نفر، دانشگاه تهران ۴۳ نفر، دانشگاه علم و صنعت ۵ نفر، دانشگاه الزهراء ۳۵ نفر، دانشگاه امیرکبیر ۱۳ نفر، دانشگاه شهید بهشتی ۲۱ نفر، دانشگاه تربیت مدرس ۱۷ نفر، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۴ نفر، و دانشگاه خوارزمی ۱۵ نفر) و سپس در طبقه‌های در نظر گرفته

شده از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده می‌شود. در این پژوهش، طیف لیکرت ابزار اصلی مقیاس‌سازی ابعاد و شاخص‌های جامعه‌پذیری و متغیرهای مستقل (در قالب ابزار پرسشنامه) بوده است. با توجه به موضوع پژوهش در انتخاب شاخص‌ها رویکرد اسلامی مد نظر قرار گرفته است. لذا: ۱- در این روش بر اساس متغیرهای استخراج شده از نظریه‌ها سؤالاتی مطرح شده است، ۲- سؤال‌های مطرح شده به نسبت معرف‌ها تنظیم شده است، ۳- سؤال‌های مطرح شده به نسبت معرف‌ها در یک پرسشنامه بر اساس یک ساخت منطقی جمع‌آوری و پس از تنظیم در موارد مختلف رفع اشکال شده و حتی الامکان سعی شده یک پرسشنامه بدون نقص تهیه شود، ۴- در نهایت آزمون مقدماتی پرسشنامه در جامعه آماری انجام گرفته تا تغییرات لازم در زمینه اصلاح و بهبود ترتیب منطقی سؤالات و ساخت پرسشنامه به عمل آید و بدین ترتیب پرسشنامه نهایی را برای مرحله اصلی جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری پس از طی مراحل فوق آماده کردیم. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۶۸ نفر محاسبه شده است.

پس از جمع‌آوری کل پرسش‌نامه‌ها، به منظور مطالعه وجود و یا عدم وجود ارتباط بین متغیرها، داده‌های جمع‌آوری شده توسط برنامه Spss مورد پردازش قرار گرفتند و برای توصیف و تحلیل آن‌ها از جداول فراوانی یک بعدی و دو بعدی و آزمون‌های آماری نظیر ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علاوه بر آن به منظور سهولت در بررسی روند تحولات برخی از متغیرهای مورد بررسی سعی شده است تا با استفاده از نرم افزار Excel فراوانی هر یک از آن‌ها بر روی نمودار ترسیم شود.

در این تحقیق برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه، ابتدا پرسش‌نامه‌ی طراحی شده، به چند تن از استادان دانشگاه‌ها و افراد صاحب‌نظر داده شد و نظرات آنان در مورد مفهوم بودن سؤالات، جامع بودن، در نظر گرفتن ابعاد شاخص‌ها، استحکام سؤالات، رابطه منطقی بین آن‌ها و تناسب گزینه‌های طراحی شده با دقت مورد بررسی قرار گرفت. بعد از انجام اصلاحات، پرسش‌نامه نهایی تدوین شده است. پایایی به میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم و این که در صورت تکرار یک ابزار اندازه‌گیری در شرایط مشابه، نتایج حاصله به چه میزان مشابه‌اند، اطلاق می‌شود. همچنین در این تحقیق برای بررسی روایی بر اساس مقیاس به کار برده شده برای تدوین طیف‌های سؤال‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

۵۱ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

روش آلفای کرونباخ مهم‌ترین و پرکاربردترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم افزار SPSS است. چنانچه مقدار آلفا بیش‌تر از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه‌های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفا دلالت بر پایایی پایین ابزار اندازه‌گیری دارد. ضریب آلفای کرونباخ بین صفر تا یک نوسان دارد که بر اساس آن، هر چه مقدار این ضریب به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده همسازی بیشتر گویه‌های یک مقیاس می‌باشد. در این پژوهش مقدار عددی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ می‌باشد.

یافته‌ها

الف- رابطه مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان

		مهارت‌های زندگی	توانمندسازی
مهارت‌های زندگی	همبستگی پیرسون	۱	**۰.۵۶۸
	معنی‌داری		۰۰۰
	تعداد	۱۵۹	۱۵۵
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۰.۵۶۸	۱
	معنی‌داری	۰۰۰	
	تعداد	۱۵۵	۱۶۱

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۵۶۸ است، به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت‌های زندگی، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت قابل توجهی بالا خواهد رفت.

در ماتریس همبستگی فوق، هر متغیر با خود دارای همبستگی کامل (برابر با ۱) می‌باشد. همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشان‌گر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد.

۵۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بنابراین بررسی همبستگی بین متغیر مستقل (مهارت‌های زندگی) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.
بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ بین دو متغیر مهارت‌های زندگی و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

ب- رابطه مهارت مقابله با استرس و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت مقابله با استرس و توانمندسازی زنان

توانمندسازی	مهارت مقابله با استرس	
**۲۴۲.	۱	همبستگی پیرسون
۰۰۲.		معنی‌داری
۱۶۱	۱۶۸	تعداد
۱	**۲۴۲.	همبستگی پیرسون
	۰۰۲.	معنی‌داری
۱۶۱	۱۶۱	تعداد

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت مقابله با استرس و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۲۴۲ است، به صورت مستقیم (مثبت) و نسبتاً ضعیف می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت مقابله با استرس، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت ضعیفی بالا خواهد رفت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در ماتریس همبستگی فوق، هر متغیر با خود دارای همبستگی کامل (برابر با ۱) می‌باشد. همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشانگر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد. بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل (مقابله با استرس) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار می‌باشد.
بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ بین دو متغیر مهارت مقابله با استرس و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۵۳ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

پ- رابطه مهارت حلّ مسأله و توانمندسازی

ضریب همبستگی بین مهارت حلّ مسأله و توانمندسازی

		مهارت حلّ مسأله	توانمندسازی
مهارت حلّ مسأله	همبستگی پیرسون	۱	**۴۶۸.
	معنی‌داری		۰۰۰.
	تعداد	۱۶۸	۱۶۱
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۴۶۸.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۶۱	۱۶۱

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت حلّ مسأله و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۴۶۸ است، به صورت مستقیم (مثبت) و قوی می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت حلّ مسأله، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت قابل توجهی بالا خواهد رفت.

در ماتریس همبستگی فوق، هر متغیر با خود دارای همبستگی کامل (برابر با ۱) می‌باشد. همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشان‌گر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد.

بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل (مهارت حلّ مسأله) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ بین دو متغیر مهارت حلّ مسأله و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که هر چه مهارت حلّ مسأله بیشتر می‌شود، توانمندسازی زنان افزایش می‌یابد.

ت- رابطه مهارت تفکر خلاق و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت تفکر خلاق و توانمندسازی زنان

		مهارت تفکر خلاق	توانمندسازی
مهارت تفکر خلاق	همبستگی پیرسون	۱	**۳۲۰.
	معنی‌داری		۰۰۰.
	تعداد	۱۶۷	۱۶۱
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۳۲۰.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۶۱	۱۶۱

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت تفکر خلاق و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۳۲۰ است، به صورت مستقیم (مثبت) و نسبتاً قوی می‌باشد. در ماتریس همبستگی فوق، هر متغیر با خود دارای همبستگی کامل (برابر با ۱) می‌باشد. همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشان‌گر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد. بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل (مهارت تفکر خلاق) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.

ث- رابطه مهارت تفکر نقادانه و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت تفکر نقادانه و توانمندسازی زنان

		مهارت تفکر نقادانه	توانمندسازی
مهارت تفکر نقادانه	همبستگی پیرسون	۱	**۲۸۹.
	معنی‌داری		۰۰۰.
	تعداد	۱۶۷	۱۶۰
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۲۸۹.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۶۰	۱۶۱

۵۵..... بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

با توجه به نتایج با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت تفکر نقادانه و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۲۸۹ است، با بالا رفتن مهارت تفکر نقادانه، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت ضعیفی بالا خواهد رفت. در ماتریس همبستگی فوق، هر متغیر با خود دارای همبستگی کامل (برابر با ۱) می‌باشد. بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.

ج- رابطه مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه و توانمندسازی زنان

توانمندسازی	مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه	همبستگی پیرسون	مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه
*۱۵۶.	۱	همبستگی پیرسون	مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه
۰۴۸.		معنی‌داری	
۱۶۰	۱۶۷	تعداد	
۱	*۱۵۶.	همبستگی پیرسون	توانمندسازی
	۰۴۸.	معنی‌داری	
۱۶۱	۱۶۰	تعداد	

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۵ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۵ بین مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۱۵۶ است، به صورت مستقیم (مثبت) و ضعیف می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت ضعیفی بالا خواهد رفت.

بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۴۸ می‌باشد. بنابراین بین دو متغیر مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

چ- رابطه مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران و توانمندسازی زنان

		مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران	توانمندسازی
مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران	همبستگی پیرسون	۱	**۴۱۱.
	معنی‌داری		۰۰۰.
	تعداد	۱۶۷	۱۶۰
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۴۱۱.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۶۰	۱۶۱

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۴۱۱ است، به صورت مستقیم (مثبت) و نسبتاً قوی می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت قابل توجهی بالا خواهد رفت. بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.

ح- رابطه مهارت خودآگاهی و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت خودآگاهی و توانمندسازی زنان

		مهارت خودآگاهی	توانمندسازی
مهارت خودآگاهی	همبستگی پیرسون	۱	**۴۲۷.
	معنی‌داری		۰۰۰.
	تعداد	۱۶۶	۱۶۰
توانمندسازی	همبستگی پیرسون	**۴۲۷.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۶۰	۱۶۱

۵۷ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشان‌گر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد. بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل (مهارت خودآگاهی) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ بین دو متغیر مهارت خودآگاهی و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که هر چه مهارت خودآگاهی بیشتر می‌شود، توانمندسازی زنان افزایش می‌یابد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت خودآگاهی و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۴۲۷ است، به صورت مستقیم (مثبت) و قوی می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت خودآگاهی، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت قابل توجهی بالا خواهد رفت.

خ- رابطه مهارت همدلی با دیگران و توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی بین مهارت همدلی با دیگران و توانمندسازی زنان

		مهارت همدلی با دیگران	توانمندسازی
مهارت همدلی با دیگران	همبستگی پیرسون	۱	**۴۵۱.
	معنی‌داری		۰۰۰.
توانمندسازی	تعداد	۱۶۳	۱۵۸
	همبستگی پیرسون	**۴۵۱.	۱
	معنی‌داری	۰۰۰.	
	تعداد	۱۵۸	۱۶۱

بنابراین بررسی رابطه بین متغیر مستقل (مهارت همدلی با دیگران) و متغیر وابسته (توانمندسازی)، نشانگر وجود رابطه معنی‌دار با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ بین دو متغیر مهارت همدلی با دیگران و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که هر چه مهارت همدلی با دیگران بیشتر می‌شود، توانمندسازی زنان افزایش می‌یابد. با توجه به

نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، می‌توان گفت که با اطمینان ۰.۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ بین مهارت همدلی با دیگران و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰.۴۵۱ است، به صورت مستقیم (مثبت) و قوی می‌باشد، بدین معنی که با بالا رفتن مهارت همدلی با دیگران، میزان توانمندسازی زنان نیز به نسبت قابل توجهی بالا خواهد رفت. همچنین در ماتریس همبستگی فوق، علامت دو ستاره (***) نیز نشان‌گر معنی‌داری رابطه در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ و اطمینان ۰.۹۹ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مهارت‌های زندگی می‌تواند افراد را در استفاده از راهبردهای مؤثر و سازش یافته برای مقابله با مشکلات روزمره توانمند سازد. به عبارت دیگر مهارت‌های زندگی راهبردهای مقابله‌ای مهمی هستند که توانایی پیشرفت شخصی و اجتماعی افراد را افزایش و مشکلات روانی و جسمانی آنها را کاهش می‌دهند (دزوریلا و شیدی ۱۹۹۲ نقل از اکبری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۳). مهارت‌های زندگی کمک می‌کنند تا افراد، عواطف و احساسات خود را به خوبی بشناسند، آنها را به دقت ارزیابی کنند، افکار منطقی و غیر منطقی مرتبط با آنها را دریابند و در نهایت برای آنها آشکار می‌شود که افکار کارآمد و ناکارآمد، عواطف مثبت و منفی آنها را هدایت می‌کند. هنگامی که افراد به این آگاهی می‌رسند که این خود آنها و تصوراتشان است که هیجان‌ها و عواطف مثبت و منفی را تا حدود زیادی زیر نفوذ دارند، بنابراین با مهارت‌های آموخته شده آنها را کنترل می‌کنند و از این طریق به سازگاری عاطفی می‌رسند (رایس^۱، ۲۰۰۱: ۱۶۲).

در این تحقیق ابعاد مهارت‌های زندگی مورد بررسی قرار گرفت. مهارت‌های زندگی دارای ابعاد مختلف شامل مهارت مقابله با استرس‌ها، مهارت حل مسئله، مهارت تفکر خلاق، مهارت تفکر نقادانه، مهارت برقراری رابطه مؤثر با دیگران، مهارت برقراری روابط بین فردی سازگارانه، مهارت خودآگاهی و مهارت همدلی با دیگران می‌باشد. در بررسی آمار توصیفی پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که به میزان زیادی از مهارت‌های زندگی برخوردارند. ارتباط مثبت معنی‌داری بین مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی با توانمندسازی وجود دارد؛ بدین ترتیب که با افزایش هر یک از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی، توانمندسازی نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آنها توانمندی نیز کاهش

^۱ Rice

۵۹ بررسی رابطه مهارت‌های زندگی با توانمندسازی زنان

می‌یابد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات متفاوتی که در حوزه توانمندسازی زنان و نقش مهارت‌های زندگی بر این توانمندی انجام شده است همخوان می‌باشد.

در مجموع مقایسه نتایج تحقیق در مورد مهارت‌های زندگی حاکی از آن است که مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی در جهت توانمندی استادان خانم دانشگاه عمل کرده‌اند، بنابراین برنامه‌ریزان اجتماعی می‌بایستی که جهت توانمندسازی هر چه بیشتر بانوان جامعه، آموزش‌های مهارت‌های زندگی را به صورت فراگیر، در گروه‌های مختلف جامعه اجرایی کنند.

در پایان پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

● پژوهش‌های مشابه‌ای در استان‌های دیگر و یا به صورت منطقه‌ای در سایر گروه‌های زنان توانمند، توسط پژوهشگران اجتماعی به انجام برسد.

● با توجه به اهمیت بسیار بالای مهارت‌های زندگی، به مسئولان گرامی و مؤلفان کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان پیشنهاد می‌شود که به ارائه این مباحث بسیار مهم در کتب درسی عمومی توجه ویژه‌ای نمایند.

● پیشنهاد می‌شود جهت توان‌افزایی بانوان، به ویژه بانوان جوانی که بیشتر در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند آموزش‌های مهارت‌های زندگی، از سوی مراکزی که مرتبط به امور زنان هستند مورد توجه قرار گیرد.

● گواهی‌نامه‌ای مبنی بر گذراندن مهارت‌های زندگی از طرف جوانان، برای ازدواج به دفاتر رسمی ارائه گردد.

منابع

پیرسون، کریستوفر. (۱۳۸۴). معنای مدرنیت: گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات کویر.

پرتو، لیلیا و دیگران. (۱۳۹۵). وجود زیبایی من: راهکارهای توانمندسازی دختران و مادران. تهران: نیکان کتاب.

تقوی، نغمه. (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر هوش هیجانی دختران نوجوان». دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

جعفری شیرازی فائزه (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر بالابردن خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار شهرداری شهر تهران در سال ۹۰-۸۹، پژوهشنامه زنان، مقاله ۳، دوره ۳، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۶: ۴۷-۷۰.

۶۰ پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- جعفری شیرازی، فائزه. (۱۳۹۱). « بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر بالا بردن خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار». پژوهش‌نامه زنان، سال سوم، شماره دوم.
- جلایی پور، حمیدرضا و جمال محمدی. (۱۳۹۶). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
- دی جورجیو لوتز، جوآن. (۱۳۹۷). زنان در آموزش عالی؛ تغییر توانمندساز. ترجمه بابک طهماسبی. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- روایی، فریبا و سمین حسینیان، ۱۳۹۳، تأثیر آموزش شناختی رفتاری با رویکرد اسلامی بر توانمندسازی زنان متأهل، اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده، اهواز، انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۶). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
- سن، آمارتیا. (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی. تهران: دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا. (۱۳۹۵). برابری و آزادی. ترجمه حسن فشارکی. تهران: شیرازه.
- سیدمن، استیون. (۱۳۹۶). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شکوری‌راد، صدیقه. (۱۳۸۰). توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- شیدایی آشتیانی، کاظم. (۱۳۸۸). تأثیر توانمندسازی بر توسعه اجتماعی. اداره کل برنامه ریزی و فناوری اطلاعات، گروه برنامه ریزی.
- صلاحی اصفهانی، گیتی. (۱۳۸۱). «توانمندسازی زنان در توسعه روستایی». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، ج ۲، وزارت جهاد کشاورزی دفتر امور زنان روستایی تهران.
- طارمیان، فرهاد و همکاران. (۱۳۸۷). مهارت‌های زندگی. تهران: تربیت.
- غفاری، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۸). « مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار». دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایش زنان سرپرست خانوار. اداره کل امور بانوان.
- کبیر، نایلا و دیگران. (۱۳۸۹). تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها. ترجمه فاطمه صادقی. مقاله مندرج در کتاب توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه. ترجمه اعظم خاتم و دیگران. تهران: آگه.
- کریمی، یوسف. (۱۳۹۵). روانشناسی شخصیت. تهران: ویرایش.
- واقفی، فرزانه و پوران طاهر مقدس، ۱۳۹۵، نقش پارک‌های بانوان بر توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه پایدار، کنفرانس دو سالانه جامعه و معماری معاصر، اصفهان، موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی، هی، لوئیز ال. (۱۳۹۵). زنان توانمند. ترجمه مینا اعظامی. تهران: صورتگر.

Aghazamani, Yeganeh, Deborah Kerstetter Pete Allison (2020), Women's perceptions of empowerment in Ramsar, a tourism destination in northern Iran, Women's Studies International Forum, Volume 79, March-April 2020, 102340.

- Batliwala, S. (۱۹۹۴). "*The meaning of women 's empowerment: New concepts from action*". Pp. ۱۲۷-۱۳۸ in *Population policies Reconsidered: Health, Empowerment and Rights*. G. Sen, A. Germain and L. C. Chen, Eds. Cambridge: Harward University Press.
- Boyd, B.L., Herring, D.R. & Briers, G. E. (۱۹۹۲). "*Developing life skills in youth. leadership*". *Journal of Extension* , ۳۸(۶), ۸۰-۸۶.
- Kabeer, Naila. (۲۰۰۳). *Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals* .Commonwealth Secretariat, CIDA, IDRC.
- Longwe, Sara. H. (۱۹۹۱). "*Gender Awareness: The Missing Element in the Third World Development* ."Project a Chapter of *Changing Perceptions: Writing on Gender and Development*, by Wallace T.& March C: OXFAM.
- Malhotra, A. & Others. (۲۰۰۵). "*Measuring Women 's Empowerment as A Variable In International Development*". <http://site/resources>. World bank. org. ۹۷/۱۱/۲۰.
- Sattari , Negin(۲۰۲۰), Women driving women: drivers of women-only taxis in the Islamic Republic of Iran, *Women's Studies International Forum*, Volume ۷۸, January–February ۲۰۲۰, ۱۰۲۳۲۴.
- Rice K.G.& Lapsley, D.K. (۲۰۰۱). "*Perfectionism, coping, and emotional adjustment*". *Journal of College Student Development* , ۴۲(۲), ۱۵۷-۱۶۸.
- Spreitzer, Gretchen, M (۱۹۹۶). "*Social Structural Characteristics of Psychological Empowerment*". *Academy of Management Journal*, V. ۳۹, No. ۲.